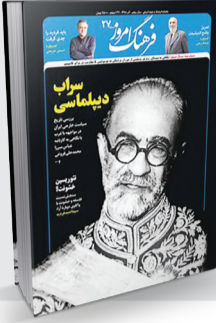


شماره جدید فرهنگ امروز

شماره بیست و هفتم نشریه فرهنگ امروز با پرونده ویژه «سیر مواجهه ایران با غرب» و عملکرد دیپلماسی ایرانی منتشر شد. در بخش اندیشه این شماره هم پرونده‌ای با عنوان «تئورسین خشونت؟»، نسبت فلسفه و خشونت با واکاوی دوباره آرای سیداحمد فردید، مورد بررسی قرار گرفته است. فرهنگ امروز به سردبیری بهزاد جامه‌بزرگ با قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر شده است.



گریزی از توسعه نیست



برای اینکه به آینده برسیم باید راه توسعه را برویم، گریزی از این امر نیست. آینده تاریخ هر چه باشد باید از این راه بگذرد. اگر هم تمدن اسلامی می‌خواهید باید از این مرحله دورافتادگی و عقب‌افتادگی بگذرید تا به مرحله‌ای برسید که توانایی و اختیار پیدا کنید، و آن‌وقت شاید گشایش دیگری باشد. شاید زندگی، زندگی دیگری شود.

نفس صدراپی



مصطفی محقق داماد: تا پیش از ملاصدرا معتقد بودند نفس آدمی دانش، صور و علم را می‌پذیرد. تئوری ملاصدرا درباره نفس می‌گوید علم و آگاهی یک صورت نیست که در یک اتاق جای بگیرد و منجر به رسیدن به آگاهی شود. نفس آدمی وجودی بالقوه است و با آگاهی رشد می‌کند و به رشد و تعالی می‌رسد.

فصوص الحکم با تدریس بلخاری



هفتمین دوره آموزشی فصوص الحکم ابن عربی، در قالب برنامه علمی «مدرسه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» با تدریس حسن بلخاری از ۱۰ دی ماه جاری آغاز می‌شود. این دوره آموزشی سه‌شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ برگزار خواهد شد. در این دوره فص اسحاقی و یوسفی از کتاب «فصوص الحکم» مهم‌ترین اثر «محل الدین بن عربی» عارف پرآوازه جهان اسلام شرح خواهد شد.

شریف لکزایی



وقتی سخن از دولت به میان می‌آید، ما دقیقاً با چه چیزی مواجه هستیم و چه چیزی را دولت می‌نامیم؟ در این زمینه با تأملات بسیاری مواجه خواهیم شد و هر کسی از ظن خود به ارائه بحثی درباره دولت پرداخته است و ادبیات بحث به‌شدت مبهم و معشوش است. اما آنچه آشکار است این است که امروزه ما در عرصه واقعی و عینی با پدیده‌ای سر و کار داریم که به‌طور کامل در همه عرصه‌های زندگی ما دست به‌مداخله می‌زند و به‌گونه‌ای همه ما را وابسته به خود ساخته و تمامی زندگی خصوصی و اجتماعی ما را تحت تأثیر قرار داده است. ما به هر نوع فعالیت مدنی در جامعه دست‌برنیم، با دستگاه دولت مواجه خواهیم داشت. برای مثال بدون اجازه دولت، امکان انجام یک فعالیت فرهنگی جمعی در قالب یک موسسه فرهنگی و هنری در جامعه وجود ندارد. به تعبیری دیگر، انجام هرگونه کار فرهنگی و هنری مستلزم کسب اجازه از دولت است. این در حالی است که در گذشته بخش‌های مختلف جامعه و قشرهای مختلف اجتماعی هر کدام در حوزه‌هایی به فعالیت می‌پرداختند و دولت اساساً هیچ مداخله‌ای در آن نداشت یا حتی امکان مداخله برای دولت فراهم نبود. تنها هنر دولت در گذشته‌های نه‌چندان دور، تأمین امنیت مرزها از تهاجم بیگانه و مردم از دست‌بره سارقان بوده است و بس. گرچه امروزه نیز موضوع تأمین امنیت بسیار اهمیت دارد اما باز هم تأمین امنیت برعهده دولت‌ها است و چیزی در این زمینه تغییر نکرده است. اگرچه ممکن است احساس امنیت و ناامنی به لحاظ روانی بر جامعه تأثیرات زیادی داشته باشد؛ دولت تقریباً هیچ کاری به آموزش و تعلیم و تربیت و نظام بهداشت و درمان مردم خیلی از امور دیگر نداشت. البته مردم نیز برای انجام فعالیت‌های مختلف خود در حوزه عمومی از دولت مجوزی دریافت نمی‌کردند و دولت هم انتظار و توقی در این زمینه نداشت. برای همین، حوزه فعالیت عمومی، حوزه فعالیت گسترده‌ای بود که دولت در آن حضور نداشت یا حضوری حداقلی داشت. البته دولت‌ها ممکن بود کمک‌هایی برای تقویت حوزه تعلیم و تربیت کنند و به تولید دانش‌های هم‌تأمین نشان دهند و از این طریق دست در بسط و تولید یک دانش یا حتی محدودسازی دانشی دیگر مداخله کنند. اما امروزه چنین مداخله‌ها وضعیتی رنگ‌باخته است و دولت‌ها خود را متولی اصلی تعلیم و تربیت و بهداشت و درمان و بسیاری امور دیگر در جامعه می‌دانند و به‌طور کامل نهاد مدنی را از صحنه خارج کرده‌اند. به این ترتیب امروزه مداخله حداکثری دولت را در بسیاری از حوزه‌های عمومی مشاهده می‌کنیم.

با این وصف در بسیاری از موارد، این حضور گسترده دولت در تمامی ارکان جامعه به‌شدت می‌تواند به پرسش‌گرته شود. دولت در جامعه ایران معاصر نهادهای مردمی سنتی و مدنی را کاملاً به حاشیه برده یا حتی نابود کرده است. در واقع امروزه کمتر حوزه‌ای در فضای عمومی را می‌توان یافت که نهادهای مردمی سنتی و مدنی در آن بدون مداخله دولت‌ها به فعالیت بپردازند. البته می‌توان توقع و انتظار داشت که دولت نه درجهت تضعیف، بلکه درجهت تحکیم نهادهای حوزه‌های مدنی کمک کند، اما در بررسی دولت متوجه می‌شویم که دولت در بخش اقتصاد، فرهنگ و سیاست نقش و حضور کاملاً مستقیمی دارد، از این رو با یک اقتصاد و فرهنگ دولتی مواجه هستیم. حتی مداخله حداکثری دولت در فضای دین‌ورزی را شاهد هستیم که ممکن است دین دولتی را در اذهان متبادر سازد. البته به‌نظر می‌رسد این نوع مداخله در مواردی آسیب‌های جدی وارد کرده است. به‌ویژه اینکه می‌تواند در گزینش و ارتقای افراد در محافل اداری و حتی علمی نقش موثری ایفا کند.

به‌نظر می‌رسد بتوان از چنین وضعیتی با عنوان دولت متورم یاد کرد و ابعاد چنین دولتی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. دولت متورم در هم‌سایه‌ای که فکرش را کنیم حضور مداخله‌جویانه‌ای دارد و در بسیاری از مواقع به دلایل زیادی حتی می‌توان گفت مانع انجام بسیاری از امور است. در واقع این حضور مداخله‌جویانه باعث می‌شود برای انجام هر کاری به سراغ دولت برویم و برای انجام هر کاری از دولت اجازه دریافت کنیم. در واقع ساختار دولت این‌گونه به پیش رفته است که برای انجام هر فعالیتی باید سراغ دولت رفت. این وضعیت باعث شده که مسائل به صورت خلاقانه به پیش نرود و افکار، ابداعات و اختراعات نو در آستانه زایش، از بین بروند. افزون بر اینکه کسب مجوز در فرآیند بسیار کندی قرار گرفته و وقت، انرژی و توان درخواست‌کنندگان را خواهد گرفت. البته حوزه قانونگذاری نیز به این ساله کمک کرده است و امروزه با پدیده تورم قانون مواجه هستیم و گویا برنامه‌ریزی‌هایی از سوی مجلس در جریان است تا کمیته‌ای با بررسی قوانین به

نگاهی به پدیده دولت در ایران معاصر  
دولت متورّم



تورم، دامنه و گستره‌ای فوق‌طاقت سپرده‌اند که از طاقت چنین شهری بیرون است. اجازه بردی برای تشریح دولت متورم به بحث قانونگذاری در ۴۰ سال اخیر در ایران هم اشناره کنم. پدیده قانونگذاری در ایران حدود صد سال سابقه دارد و در جمهوری اسلامی هم دارای حدود ۴۰ سال سابقه است. با این حال گفته می‌شود در ۴۰ سال اخیر حدود بیش از ۱۲ هزار قانون در مجلس شورای اسلامی وضع شده است. این در حالی است که مجلس فرانسه در بازه زمانی بیش از ۲۰۰ سال، تنها حدود دو هزار قانون وضع کرده است. چنین وضعیتی تورم قانونگذاری در ایران را به همراه آورده است. قوانینی که در شرایط مختلف و بدون لحاظ سایر قوانین یا از دور خارج کردن قوانینی که عمرشان سپری شده است اکنون خود به‌شکل عمده‌ای در حکمرانی مبدل شده است. این وضعیت نشان می‌دهد قوای مختلف درون دولت هم به پدیده تورم مبتلا هستند و این وضعیت روز‌به‌روز بر ناآرامی و ناکامی دولت افزوده می‌شود. در بحث پدیده دولت متورم، کمیته‌ای و پیشینگی دولت اساساً منظور نظر نیست، زیرا این هر دو دولت واحد یک منطق ساختاری قابل دفاع از سوی طرفداران آن هستند. می‌توان گفت دولت متورم فارغ از هر منطقی گسترش یافته و بزرگ شده و تقریباً همه بخش‌های جامعه را گرفتار کرده است و از دست هیچ‌کس کاری به‌منظور بهبود اوضاع برنمی‌آید. دولت متورم خودش باید به‌گونه‌ای از این فضای متورم بیرون آمده و تلاش کند چابکی و تحرک نصیب خود کرده و در قالب یک منطق کارآمد به حیات خود تداوم داشته باشد.

شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که دولت متورم به آن دچار شده این است که همه حوزه‌های قدرت دیگر نهادها را نیز برای خود اختیار کرده و جای دیگر نهادها را اشغال کرده است. از این رو برای عبور از این وضعیت باید گستره حضور خود در عرصه قدرت مردمی و اجتماعی را از نوساز تعریف کند. تلاش برای تقویت جریان قدرت مردمی و اجتماعی خارج از فضای دولت یکی از راه‌هایی است که می‌تواند از تورم دولت بکاهد. طبیعتاً وضع سیاست‌های شفاف در عرصه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و عدم ورود و مداخله در امور فرهنگی و اقتصادی می‌تواند بخشی از این فرآیند را اصلاح کند. در بیان تمثیل باید همانند شخصی که می‌خواهد اضافه‌وزن خود را کاهش دهد و چربی‌های اضافه را آب کند، عمل شود. گاهی این‌وضعیت با ورزش و ریاضت ممکن است حل شود و گاهی نیز ممکن است به دست تیغ تیز جراحی سپرده شود.

بنابراین دولت متورم در فضایی دست‌وپا می‌زند که خودش برای خودش تعبیه کرده و در آن گرفتار آمده است. طبیعتاً است که با توضیح آنچه در بالا آمد، تفاوت‌های دولت متورم با دولت دو سر هم روشن می‌شود. در واقع دولت متورم یک سر دارد، اما به بدن این دولت چیزهای مختلفی آویزان شده که بدن آن به‌ویژه در قالب بروکراسی به‌گونه‌ای سنگین شده است که تقریباً نمی‌تواند به‌خوبی به وظایف خودش عمل کند یا حتی بعضاً فعالیت برخی از بخش‌های آن، فعالیت دیگر بخش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و حتی خنثی می‌کند. در واقع چون چنین دولتی نمی‌تواند قوا و نهادهای مختلف خود را در یک هماهنگی به کار گیرد و بخش زیادی از انرژی و توان نهادهای آن مصرف‌مقابل به نهاد دیگر

در توضیح دولت متورم در قالب یک تمثیل می‌توان این‌گونه اشاره کرد که دولت متورم مانند شخصی است که دارای اضافه وزن است و همین مساله باعث می‌شود نتواند نسبت به آنچه باید با چالاکی و حتی به‌صورت معمولی اقدام کند. چنین شخصی اگرچه بر سر پا ایستاده اما دارای بیماری‌های بسیاری است که در نتیجه آن حرکاتش به‌شدت کند می‌شود و نمی‌تواند به‌طور معمول پاسخگوی انتظارات درونی خود باشد و در مقابل آنچه در اطرافش می‌گذرد اقدام به‌موقع و موثری نداشته باشد. چنین شخصی باید در فکر معالجه خود باشد. در بحث دولت متورم آنچه در تشدید مصائب آن می‌تواند موثر باشد، بروکراسی گسترده و سنگینی است که از همه طرف دولت و جامعه را درگیر کرده است. در واقع اگرچه بروکراسی به‌مثابه بازوان قدرتمند دولت عمل می‌کند و بر آن است که یک‌پارچه‌سازی و هماهنگی در جامعه اقدام کند اما این بازوان به‌شدت درگیر خودش شده و نمی‌تواند عملکرد مطلوبی داشته باشد و عکس‌العمل به‌موقعی در زمینه انتظاراتی که از سیستم وجود دارد، واکنش مناسبی نشان دهد.

ما امروز مشابه پدیده دولت متورم را در سایر امور داریم و دچار تورم هستیم و پدیده تورم فقط مختص دولت نیست، بلکه تار و پود زندگی اجتماعی ما را درگیر کرده است. برای مثال وضعیت شهرسازی ما یک نمونه‌ای تئورمی است که دچار شده‌ایم. اگرچه در تمامی کشور دچار این بلیه هستیم اما نمونه اعلامی آن را در تهران شاهدیم. براساس گزارش‌های رسمی منتشره، فضای فیزیکی و زیرساخت‌های موجود در شهر تهران، تنها برای زیست حدود چهار میلیون نفر طراحی شده و پاسخگو است. این در حالی است که بیش از دو برابر جمعیت چهار میلیونی را برای زیست دائمی در خود جای داده و تعداد بی‌شماری نیز هر روز از شهرستان‌های دور و نزدیک برای کار یا گرفتن امکاناتی که در شهرهای دیگر نیست، راهی تهران می‌شوند. گو اینکه تورم فضا و جمعیت هر دو به‌گونه‌ای در تکمیل همدیگر به این

**دولت متورم همه حوزه‌های قدرت دیگر نهادها را نیز برای خود اختیار کرده و جای دیگر نهادها را اشغال کرده است.**

**از این رو برای عبور از این وضعیت باید گستره حضور خود در عرصه قدرت مردمی و اجتماعی را از نو باز تعریف کند. تلاش برای تقویت جریان قدرت مردمی و اجتماعی خارج از فضای دولت یکی از راه‌هایی است که می‌تواند از تورم دولت بکاهد. طبیعتاً وضع سیاست‌های شفاف در عرصه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و عدم ورود و مداخله در امور فرهنگی و اقتصادی می‌تواند بخشی از این فرآیند را اصلاح کند**

می‌شود، در حالی که باید انرژی و نیروی همه نهادها تجمیع و مضاعف شده و به سمت حل مشکلات و معضلات حرکت کند.

مصائب دولت متورم برای جامعه تنها مادی نیست، بلکه شاید ممکن است خسارات معنوی آن بیشتر از خسارات مادی باشد. در واقع همان‌طور که احتمال است که شخصی دارای اضافه‌وزن به‌نوعی گرفتار افسردگی و نومیدی شود، دولت متورم هم نومیدی و افسردگی را به جامعه تزریق می‌کند. از این رو به‌نوعی روح و جان ملت درگیر شده و مسیر مطلوبی را در آینده در پیش چشم خویش نمی‌بیند. از این رو دولت متورم می‌تواند مسیر پیشرفت و توسعه یک جامعه را کند و مسدود سازد و به انحراف کشاند.

اگر گفته شود که امید احیاکننده یک جامعه است، طبیعتاً آنچه در ظل دولت متورم اتفاق می‌افتد بسط ناامیدی در جامعه است. در واقع از آنجا که در این دولت هر فعالیتی نیازمند کسب مجوز از نهادهای خودساخته دولتی است، فرآیند اعطای مجوز و بروکراسی اداری به‌شدت طولانی و کند بوده و باعث خستگی فعالان کار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌شود. چنین فرآیندهایی باعث می‌شود اشخاص متقاضی برای فعالیت در جامعه وارد فرآیند بروکراسی کند و فشل اداری شوند و از ایده ارائه شده خود به‌تدریج فاصله بگیرند و از وضعیت موجود ناامید شوند و به جمع ناراضیان درآیند. افزون بر اینکه اقدامات بروکراسی موجود موجبات فساد را نیز فراهم می‌کند؛ زیرا در این فرآیند عده‌ای سوه‌استفاده کرده و ناکارآمدی دولت را تشدید می‌کنند.

این در حالی است که جامعه نیازمند حرکت و پویایی و ایجاد امید و نشاط است که معمولاً با اقدام‌ها و تصمیم‌های دولت در ارتباط وثیقی است. این مساله برای جوامعی همانند جامعه ما که در حال رشد و پیشرفت است از ضروریات است که باید مورد توجه قرار گیرد. به تعبیر امام موسی صدر، وقتی امید از یک جامعه برود مانند آن است که آن جامعه فاقد آینده است. جامعه و انسان‌های ناامید مانند انسان‌ها و جامعه‌ای هستند که گمان دارند آینده‌ای ندارند و بنابراین کار و تلاش هم از آن جامعه به‌دلیل ناامیدی رخت می‌بندد. بنابراین رشد بیماری ناامیدی می‌تواند در همه سطوح جامعه تأثیرگذار باشد. از این رو است که جوانان و نوجوانان به‌دلیل اینکه چشم‌انداز مطلوبی در آینده نمی‌بینند به سمت اقدام‌های می‌روند که جامعه را از حضور و دریافت انرژی و ظرفیت آنان تهی می‌سازد.

افزون بر اینکه حساسیت‌های جامعه دارای دولت متورم، بسیار کاهش می‌یابد و چنین جامعه‌ای نسبت به مسائلی که در حاشیه و متن آن می‌گذرد، حساس نیست و به‌راحتی از کنارش عبور می‌کند. در واقع یک نوع بی‌تفاوتی مفرط جای حساسیت، مشارکت، فعالیت و تولید را می‌گیرد. جامعه نسبت به آنچه در پیرامون آن می‌گذرد و نسبت به مسائل و معضلات اجتماعی، واکنش درخوری از خود نشان نمی‌دهد. گو اینکه دولت متورم مرکز عصبی جامعه را با اختلال مواجه می‌کند. در واقع این مساله هم به این دلیل اتفاق می‌افتد که دولت متورم دائم بر اختیارات و وظایف خود افزوده و به‌گونه‌ای پیش رفته است که هیچ فرد و گروه مدنی‌ای قادر به تحرک و پویایی نیست و باید برای ایجاد حساسیت در میان اعضای جامعه هم مجدداً از دولت کسب تکلیف کند و اجازه بگیرد.

افزون بر این باید بر یک نکته کلیدی و مهم‌تر هم در دولت متورم تأکید شود و آن ناتوانی در حل مشکلات و معضلات مربوط به بخش قضایی است. این دولت از فرصت حل و رفع مسائل و معضلات اجتماعی ناتوان است. در واقع نقش نظارتی و حل مسائل چنین دولتی به غایت اندک است و دستگاه قضایی این دولت با کثرت ورود پرونده‌های قضایی روبه‌رو است که توان حل فوری و رضایتمندانه آنها را ندارد. بنابراین هر روز بر تراکم مراجعات به سیستم قضایی افزوده می‌شود و افراد به‌دلیل طولانی شدن فرآیند احکام قضایی و نیز به سبب ناعادلانه بودن احکام، فاقد رضایت نسبی هستند.

این در حالی است که به‌صورت سنتی، ابزارهایی برای حل معضلات در جامعه به‌ویژه منازعات اجتماعی وجود داشته است که متأسفانه اکنون و امروزه اگرچه در برخی مناطق کشور نمونه‌هایی از آن را می‌توان یافت، اما بسیاری از این راه‌حل‌ها نیز پایمال شده و از بین رفته است. به‌نظر تقویت نهادهای مردمی سنتی و مدنی می‌تواند گشایشی در این زمینه ایجاد کند. تقویت حضور نهادهای مردمی سنتی و مدنی به معنای تضعیف نهاد مدنی نیست، بلکه می‌توان از دولت فعال و قدرتمند و جامعه فعال و قدرتمند هم سخن گفت. حضور جامعه فعال و قدرتمندی می‌تواند به دولت در انجام وظایفش کمک کند و حتی بخشی از وظایف دولت را به نحو مناسب‌تر و سهل‌تری انجام دهد. تقویت نهادهای مردمی سنتی مدنی می‌تواند تا حدی از تورم دولت بکاهد.